

نشریه توانمندسازی کودکان استثنائی

انجمن علمی کودکان استثنائی ایران

سال یازدهم، شماره ۳ (۳۳)، پاییز ۱۳۹۹

صص ۳۷-۴۹

DOI: 10.22034/CECIRANJ.2020.228165.1380

مقایسه استرس والدگری و مشکلات برونی‌سازی و درونی‌سازی کودکان در مادران شاغل و غیرشاغل

علی حسین زاده اسکویی*

فاطمه صفرپور**

زهرا کمندلو***

مجتبی حبیبی عسگرآباد****

محمدصادق زمانی زارچی*****

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، مقایسه استرس والدگری، مشکلات برونی‌سازی شده و درونی‌سازی شده کودکان پیش‌دستانی در مادران شاغل و غیرشاغل بود. روش مطالعه، توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه مادران شاغل و غیرشاغل کودکان ۴ تا ۶ ساله حاضر در مهدکودک‌های شهر تهران تشکیل دادند. حجم نمونه متشکل از ۲۳۰ شرکت‌کننده (۱۱۵ زن شاغل و ۱۱۵ زن غیرشاغل) بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از فرم بلند شاخص استرس فرزندپروری فرم بلند (PSI) و سیاهه مشکلات رفتاری کودک آخنباخ (CBCL) استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون تی مستقل، تحلیل واریانس چندمتغیره و نرم‌افزار SPSS-۲۲ استفاده شد. نتایج نشان داد هر دو گروه از مادران شاغل و غیرشاغل سطح بالایی از استرس والدگری را نشان دادند؛ اما بین استرس والدگری در دو گروه به‌طور کلی، تفاوت معناداری وجود نداشت ($p < 0.05$). در زمینه مشکلات برونی‌سازی شده تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده شد. در زمینه مشکلات درونی‌سازی شده هرچند بین دو گروه به‌طور کلی تفاوت معناداری یافت نشد؛ اما در زمینه واکنش هیجانی و مشکلات خواب تفاوت معناداری دیده شد ($p < 0.05$). براساس یافته‌ها، هر دو گروه از مادران شاغل و غیرشاغل مسائلی را در زمینه استرس والدگری و مشکلات کودکان تجربه می‌نمایند. براین اساس، طراحی و ارائه مداخلات درمانی و پیشگیرانه جهت بهبود وضعیت استرس مادران و مشکلات کودکان توصیه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: استرس والدگری، مشکلات برونی‌سازی، مشکلات درونی‌سازی

*کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

**دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

***کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه پیام نور اصفهان، اصفهان، ایران

****استادیار گروه روان‌شناسی سلامت، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان (انستیتو روان‌پزشکی تهران)، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

*****نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

Email: Zamani.1370@yahoo.com

پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۵

دریافت: ۹۹/۰۲/۰۳

مقدمه

امروزه اشتغال زنان^۱، به یکی از مسائل حائز اهمیت در خانواده‌ها بدل شده است. زنان در کنار نقش همسری^۲ و والدگری^۳ خود، بیش از گذشته درگیر مشاغل خارج از خانه بوده و در نتیجه زمان کمتری را صرف امور خانگی و فرزندان می‌کنند. هرچند اشتغال زنان جنبه‌های مثبتی نظیر استقلال مالی، افزایش اعتمادبه‌نفس و خودارزشمندی را در پی دارد (مک‌گین و اوه، ۲۰۱۷)؛ اما به‌طور همزمان، شرایط پرفشار کاری می‌تواند زمینه‌ساز بروز مشکلات فراوانی برای آنان شود و سلامت جسمی و روانی آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار دهد (کامپانا، نادال و مولینا، ۲۰۲۰؛ جارادات و همکاران، ۲۰۱۶).

علاوه‌براین، زنان شاغل در محیط خانه نیز عموماً دارای نقش‌های همسری و والدگری هستند و همواره با انتظارات متفاوت هریک از این نقش‌ها روبه‌رو می‌باشند. در این بین، از آن‌جایی که یکی از مهم‌ترین نقش‌های زنان والدگری است، انتظار می‌رود آنان همانند دیگر زنان انتظارات مورد قبول در این حوزه را به‌خوبی عملی نمایند؛ اما گاهی با اولویت قرار دادن انتظارات دیگر نقش‌ها از انتظارات این حوزه غافل شده و نمی‌توانند وظایف خود را به‌خوبی به انجام برسانند (پوهلان، ۲۰۱۹). به‌عبارت دیگر، هنگامی که مسئولیت‌های شغلی استرس‌زا در کنار تجربه ناتوانی در رسیدگی مطلوب به امور فرزندان قرار می‌گیرد، می‌تواند احساس ناکارآمدی^۴ به‌ویژه در ایفای نقش والدگری را برای زنان شاغل به‌دنبال داشته باشد. در چنین مواقعی آنان احساس می‌کنند که قادر به کنترل شرایط نیستند و این امر، استرس بیشتری را برای آن‌ها در رابطه با پرورش فرزندان به همراه می‌آورد (روله و همکاران، ۲۰۱۷). این استرس تحت عنوان استرس والدگری^۵ تعریف می‌شود که به‌معنای نوعی اضطراب و تنش افراطی است که به نقش والدینی و تعاملات والد-کودک^۶ وابسته است (آبیدین، ۱۹۹۰).

استرس والدگری در کنار مسائل ناشی از اشتغال مادر می‌تواند به واسطه مشارکت هیجانی پایین‌تر با کودک مقدمات ایجاد طیف گسترده‌ای از مشکلات برای کودک را فراهم آورد

(دی‌استاسیو و همکاران، ۲۰۱۸؛ گلغشتاین، هانلون، دیتریک و مدوف‌کوپر، ۲۰۱۷؛ تیلور، اوپل، دورلاک و ویسبرگ، ۲۰۱۷). در این زمینه، به‌نظر می‌رسد کودکان در سنین پایین‌تر و پیش‌ازدبستان به‌دلیل نیازهای ویژه و همچنین آسیب‌پذیری بیشتر، به میزان بالاتری در معرض پیامدهای ناشی از این عوامل قرار می‌گیرند (مک‌کللند، تومینی، اشمیت و دانکن، ۲۰۱۷). کودکان در این دوره سنی تا حد زیادی نیازمند حمایت، پاسخ‌دهی، مراقبت و در دسترس بودن مادر هستند (ماتیس و بیرمن، ۲۰۱۵) و برآورده نشدن این نیازها در نتیجه اشتغال مادر و همچنین مشکلات ناشی از تأثیر استرس والدگری بر بافت هیجانی خانواده می‌تواند از طریق مختل نمودن پیوند ایمن میان مادر و کودک، احساس امنیت و دلستگی در کودک را به‌گونه‌ای منفی تحت‌تأثیر قرار دهد و زمینه‌ساز بروز مشکلات متعدد در وی گردد (دانسمور، بوکر، اولندیک و گرین، ۲۰۱۶؛ کیل و کالومیریس، ۲۰۱۵؛ درلی، ۲۰۱۶). این مشکلات در کودک به شکل درونی‌سازی شده شامل مشکلات خلقی، کناره‌گیری و انزوا و شکایت‌های جسمانی (نیهایس، چاپلین و گونکالوز، سملسبرگر و تامپسون، ۲۰۱۹) و همچنین به شکل برونی‌سازی شده؛ یعنی پرخاشگری، بدرفتاری و مشکلات مرتبط با توجه بروز می‌کنند (والر و همکاران، ۲۰۱۵) و تجربه آن در دوران اولیه کودکی می‌تواند زمینه‌ساز مسائلی از قبیل اختلالات یادگیری، مشکلات تحصیلی و همچنین بزه‌کاری^۷ و سوء‌مصرف مواد^۸ در دوران نوجوانی و بزرگسالی باشد (استفان و آورام، ۲۰۱۷).

پژوهش‌های متعددی به بررسی پیامدهای منفی اشتغال مادران بر سلامت آنان و کودکانشان پرداخته‌اند و نتایج حاکی از آن است که اشتغال مادران می‌تواند تأثیر منفی در زمینه‌هایی نظیر سلامت روان و رضایت زناشویی (نعیم‌اوی، البوعلی و منصور، ۱۳۹۸؛ تمنایی‌فر و لیث، ۱۳۹۷)، استرس و احساس ناکارآمدی در نقش مادری (ولیزاده، حسین‌زاده، محمدی، حسن‌خانی و مرجانه، ۲۰۱۶؛ کادال، پاندی و راج، ۲۰۱۸)، استرس والدگری (چی و ژو، ۲۰۱۸) داشته باشد. همچنین این امر می‌تواند کودکان را زمینه‌هایی از قبیل اضطراب (علی پور،

5. parenting stress
6. parent-child interaction
7. delinquency
8. substance abuse

1. women occupation
2. marital role
3. parenting
4. feeling of inefficiency

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش را کلیه مادران شاغل و غیرشاغل کودکان پیش‌دبستانی مهدکودک‌های شهر تهران تشکیل دادند. حجم نمونه براساس نظر هومن (۱۳۹۳) با توجه به تعداد زیرمؤلفه‌های متغیرهای اصلی برآورد شد (تعداد ۵ شرکت‌کننده برای هر زیرمؤلفه در هر گروه). علاوه بر این، حجم قابل قبول در مطالعات مقایسه‌ای برای هر گروه ۱۰۰ شرکت‌کننده می‌باشد (هومن، ۱۳۹۳) که بر این اساس، حجم نمونه مطالعه حاضر متشکل از ۲۳۰ شرکت‌کننده (۱۱۵ زن شاغل و ۱۱۵ زن غیرشاغل) بود که از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد؛ به این صورت که بعد از تقسیم‌بندی مناطق شهر تهران به شمال، جنوب، غرب و شرق، تعدادی مهدکودک در هر ناحیه با توجه به لیست سازمان بهزیستی به صورت قرعه‌کشی انتخاب و از میان لیست اعضای هر مهدکودک تعدادی از مادران شاغل و غیرشاغل دارای کودک پیش‌دبستانی (۴ الی ۶ ساله) به صورت تصادفی توسط پژوهشگر انتخاب شدند. ملاک ورود به نمونه داشتن حداقل تحصیلات سیکل، داشتن فرزند ۴ تا ۶ سال، موافقت برای شرکت در پژوهش و همین‌طور ملاک خروج از نمونه نیز شامل سابقه بیماری جسمی و عقب‌ماندگی ذهنی کودک (براساس پروند موجود در مهدکودک)، بارداری مادر، تجربه زایمان در حدود سه ماه گذشته، دوره قاعدگی فعلی، طلاق یا فوت همسر و اعتیاد والدین بود.

در ابتدا پس از اخذ مجوز از سازمان بهزیستی کشور، با مراجعه به لیست مهدکودک‌های موجود در نواحی شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز تهران تعدادی از مهدکودک‌ها به صورت قرعه‌کشی انتخاب و از میان لیست اعضای هر مهدکودک تعدادی مادران شاغل و غیرشاغل دارای کودک پیش‌دبستانی (۴ الی ۶ ساله) به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس به مادرانی که برای شرکت در پژوهش اعلام آمادگی کردند و ملاک‌های ورود به نمونه را داشتند، ابزارهای سنجش و فرم رضایت از شرکت در پژوهش داده شد. علاوه بر این، به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، اصل

صیادی و حقیقی، ۱۳۹۵)، افسردگی (تقوایی‌نیا، رحیمیان و معاضدیان، ۱۳۹۵)، تعارض و استرس (چادهری، ۲۰۱۸)، سازگاری اجتماعی و هیجانی (سید و خان، ۲۰۱۷)، مشکلات خواب (میشرا، پاندی، مینز و آرورا، ۲۰۱۷)؛ کاستافونت و فلچ، ۲۰۱۸)، مشکلات روان‌شناختی (کویلارا، سوبا و لوپچان، ۲۰۱۶) و سلامت کلی (واحدی، کراگ و وستراپ، ۲۰۱۹) متأثر سازد. باین‌حال، علاوه بر جنبه‌های منفی اشتغال مادران، مطالعات متعددی به پیامدهای مثبت آن بر مادر و کودک اشاره کرده‌اند. به‌عنوان مثال، نتایج برخی مطالعات حاکی از آن است که کودکان مادران شاغل در زمینه‌هایی نظیر سبک‌های دلبستگی، اضطراب (جاویدنیا، ۱۳۹۷)، مشکلات رفتاری (البوعطیوی، ۱۳۹۶) و رشد اجتماعی (قادرپور، ۱۳۹۵) از وضعیت مطلوب‌تری نسبت به کودکان مادران خانه‌دار برخوردارند. علاوه بر این، بین مادران شاغل در زمینه‌هایی نظیر حس انسجام برای مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا (ابراهیمی، زارعی و سلطانی‌نیا، ۱۳۹۷)، کارآمدی والدینی (البوعطیوی، ۱۳۹۶) و استرس (سولیس و النا، ۲۰۱۵) و همچنین سلامت روانی اجتماعی (امینی‌زاده و محمدی، ۱۳۹۵) و مشکلات رفتاری فرزندان (دوی، وندنا و ماهسوری، ۲۰۱۹) با گروه غیرشاغل تفاوت قابل توجهی وجود ندارد.

بنابر مطالب فوق و با توجه به تفاوت‌های حاصل در نتایج مطالعات مرتبط، انجام تحقیقات گسترده‌تر در این زمینه می‌تواند گامی در جهت روشن‌سازی هرچه بیشتر نقش اشتغال مادران در سلامت فرزندان باشد. همچنین، با توجه به رشد روزافزون اشتغال مادران در ایران و اختصاص ساعات زیاد در خارج خانه و به دور از همسر و فرزند توسط آنان، انجام پژوهش‌هایی در این حوزه از اهمیت زیادی برخوردار است. از سوی دیگر، مشکلات درونی‌سازی شده^۱ و برونی‌سازی شده^۲ یکی از چالش‌های بزرگ والدین و مراقبت‌کنندگان کودکان پیش‌دبستانی است که ممکن است سلامت حال و آینده این کودکان را تهدید نماید. بنابراین، ضرورت انجام تحقیقاتی در زمینه شناسایی عوامل و فرآیندهای تأثیرگذار بر این مشکلات به چشم می‌خورد. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف مقایسه استرس والدگری و مشکلات برونی‌سازی شده و درونی‌سازی شده کودکان مادران شاغل و غیرشاغل انجام گرفت.

محرمانه بودن هویت شرکت‌کنندگان و همچنین مشارکت داوطلبانه آنان در فرآیند گردآوری اطلاعات مدنظر قرار داده شد.

ابزار سنجش

شاخص استرس فرزندپروری فرم بلند^۱ (PSI): این پرسشنامه در سال ۱۹۹۰ توسط آیدین ساخته شد و ۱۰۱ سؤال دارد که ۵۴ سؤال آن متمرکز بر والدین و ۴۷ سؤال متمرکز بر کودک می‌باشد. علاوه بر این، در این مقیاس ۱۹ سؤال اختیاری در مورد استرس عمومی زندگی قرار دارد که بنا به ترجیح محقق می‌تواند به کار برده شود. حوزه والدین این پرسشنامه هفت زیرمقیاس دارد و حوزه کودک نیز از شش زیرمقیاس تشکیل شده است و روی مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱) درجه‌بندی می‌شود. حداقل نمره آزمون ۱۰۱ و حداکثر آن ۵۰۵ می‌باشد. علاوه بر این، نمره بیشتر از ۲۶۰ در محدوده بالینی و الزام برای مداخله و کمتر از آن در محدوده نرمال و غیربالینی می‌باشد. نمره‌های بالاتر سطوح بالاتری از استرس فرزندپروری را نشان می‌دهد (آیدین، ۱۹۹۰). آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های پرسشنامه در ایران در قلمرو کودکان شامل حواس‌پرتهی/بیش‌فعالی، انطباق‌پذیری، تقویت والدین، فزون‌طلبی، خلق، پذیرندگی و قلمرو کودک به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۶، ۰/۸۰، ۰/۷۳، ۰/۷۸ و ۰/۹۱ به دست آمده است. ضریب اعتبار بازآزمایی در طول ۲۰ روز به ترتیب ۰/۵۳، ۰/۶۹، ۰/۵۸، ۰/۶۱، ۰/۷۲، ۰/۶۵ و ۰/۶۷ می‌باشد. در قلمرو والدینی نیز آلفای کرونباخ هریک از خرده‌مقیاس‌های حس‌صلاحیت، انزوای اجتماعی، دلبستگی، سلامت والدین، محدودیت، افسردگی، رابطه با همسر و قلمرو والدین به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۵، ۰/۷۱، ۰/۸۵، ۰/۸۳، ۰/۸۸، ۰/۸۵ و ۰/۹۵ می‌باشد. ضریب اعتبار بازآزمایی هریک از خرده‌مقیاس‌ها نیز به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۶۶، ۰/۶۱، ۰/۵۹، ۰/۶۳، ۰/۷۳، ۰/۶۵ و ۰/۷۶ است (عاطف‌وحید، حبیبی عسگرآبادی و عاشوری، ۱۳۹۱).

سیاهه مشکلات رفتاری کودک آخنباخ^۲ (CBCL): این مقیاس ۱۰۰ سؤالی توسط آخنباخ در سال ۱۹۹۱ برای مقطع سنی ۱/۵ تا ۵ سال براساس رفتار کودک در طول شش ماه اخیر طراحی شده و بر روی طیف سه درجه‌ای لیکرت به صورت

نادرست (۰)، گاهی درست (۱) و کاملاً درست (۲) نمره‌گذاری می‌شود. در این آزمون برای هریک از زیرمقیاس‌ها سه نمره خام، رتبه درصدی و نمره تی به دست می‌آید. حداقل نمره تی آزمون صفر و حداکثر آن ۲۰۰ می‌باشد. نمره تی ۶۰ در محدوده نرمال، تی ۶۰ تا ۶۳ محدوده مرزی-بالینی و بزرگ‌تر از تی ۶۳ محدوده بالینی است. در این سیاهه مشکلات رفتاری کودکان هشت زیرمقیاس سندر می‌را با هدف بررسی مشکلات عاطفی، رفتاری و اجتماعی کودکان در برمی‌گیرد. مقیاس‌های این آزمون عبارت است از: مقیاس برونی‌سازی شده، مقیاس درونی‌سازی شده و سایر مشکلات (آخنباخ، ۱۹۹۱؛ محمداسماعیل، ۲۰۰۹). همسانی درونی کلیه مقیاس‌ها در جمعیت ایرانی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در دامنه‌ای از ۰/۵۴ تا ۰/۸۱ برآورد شده است (محمداسماعیل، ۲۰۰۹). همچنین اعتبار آزمون با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۸۷ گزارش کرده‌اند (آخنباخ، دومنسی و رسکورا، ۲۰۰۳).

یافته‌ها

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، علاوه بر شاخص‌های آمار توصیفی، آزمون تی مستقل و تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) از نرم‌افزار SPSS-۲۲ استفاده گردید. میانگین و انحراف استاندارد سن مادران شاغل و غیرشاغل به ترتیب ۳۵/۲۰، ۳۵/۴۴ و ۳۲/۱۳، ۳۲/۳۶ بود. همچنین میانگین و انحراف استاندارد سن کودکان در گروه مادران شاغل به ترتیب ۵/۰۲، ۵/۰۸ و در گروه مادران غیرشاغل ۵/۰۲، ۵/۰۷ بود. از نظر درآمد خانوادگی نیز میانگین و انحراف استاندارد در زنان شاغل ۳/۴۹، ۳/۲۶ و زنان غیرشاغل ۲/۰۴، ۲/۱۰ میلیون تومان بود. در گروه مادران غیرشاغل ۵۸ کودک مذکر و ۵۷ کودک مؤنث و در گروه مادران شاغل ۶۳ کودک (۵۴ درصد) مذکر و ۵۲ کودک (۳۷ درصد) مؤنث بودند. در بخش استنباطی پس از بررسی مفروضات آزمون‌های ناپارامتریک برای بررسی تفاوت میانگین‌ها از آزمون تی مستقل برای مؤلفه‌های اصلی و آزمون واریانس چندمتغیره برای زیرمؤلفه‌ها استفاده شد. ویژگی‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای پژوهش و زیرمؤلفه‌های آن‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی استرس والدگری، مشکلات برونی‌سازی و درونی‌سازی در مادران شاغل و غیرشاغل کودکان پیش‌دبستانی

متغیر	مادران شاغل		مادران غیرشاغل	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
حواس‌پرتی/بیش‌فعالی	۲۳/۶۲	۵/۲۲	۲۴/۲۸	۵/۰۵
انطباق‌پذیری	۲۹/۵۳	۵/۴۶	۳۱/۵۵	۳/۸۹
تقویت والدین	۱۳/۸۲	۳/۲۲	۱۴/۵۵	۳/۱۵
فزون‌طلبی	۲۴/۷۰	۴/۴۳	۲۴/۹۵	۴/۶۹
خلق	۱۱/۳۴	۲/۳۶	۱۱/۵۷	۲/۵۲
قابلیت‌پذیرش	۱۳/۶۰	۳/۵۵	۱۴/۶۰	۳/۷۵
نمره کل کودک	۱۱۶/۹۳	۱۷/۲۷	۱۲۱/۵۳	۱۵/۵۷
صلاحیت	۳۱/۵۵	۴/۶۴	۳۱/۴۴	۴/۵۷
انزوای اجتماعی	۱۲/۸۳	۴/۰۱	۱۳/۹۷	۴/۲۱
دل‌بستگی	۱۴/۴۵	۲/۴۵	۱۵/۵۶	۳/۵۶
سلامت والدین	۱۳/۲۷	۲/۷۸	۱۳/۰۶	۲/۴۱
محدودیت	۱۸/۹۳	۶/۴۱	۲۰/۷۰	۶/۳۴
افسردگی	۱۹/۷۱	۵/۸۰	۲۱/۷۶	۶/۰۷
رابطه با همسر	۱۶/۹۰	۵/۷۶	۱۶/۸۱	۵/۱۳
نمره کل والدین	۱۲۸/۷۱	۲۳/۶۹	۱۳۳/۳۳	۲۲/۸۹
استرس زندگی	۷۵/۹۲	۳/۲۰	۷۵/۳۳	۳/۳۶
نمره کل استرس والدگری	۲۴۶/۰۶	۳۶/۶۳	۲۵۴/۸۷	۳۴/۷۴
پر‌خاشگری	۷/۲۴	۴/۶۴	۸/۶۶	۵/۰۲
مشکلات برونی‌سازی	۱/۷۰	۱/۵۵	۲/۱۸	۱/۶۸
نمره کل	۹/۲۱	۵/۸۶	۱۰/۵۸	۶/۰۹
واکنش هیجانی	۲/۱۳	۱/۵۷	۲/۷۸	۲/۰۵
اضطراب و افسردگی	۳/۶۰	۲/۰۲	۳/۸۸	۲/۰۴
مشکلات درونی‌سازی	۲/۵۰	۱/۶۸	۲/۴۶	۱/۴۷
گوشه‌گیری	۲/۹۱	۱/۶۹	۳/۳۳	۱/۹۲
مشکل خواب	۳/۳۶	۲/۳۰	۲/۷۷	۲/۰۵
نمره کل	۱۴/۲۸	۶/۳۱	۱۵/۲۴	۶/۶۲

براساس جدول ۱، هرچند بین میانگین و انحراف استاندارد برخی مؤلفه‌های استرس والدگری نظیر فزون‌طلبی، خلق، صلاحیت، سلامت والدین، رابطه با همسر و استرس زندگی و همین‌طور بعضی از زیرمؤلفه‌های مشکلات درونی‌سازی شده از جمله اضطراب و افسردگی و شکایات جسمانی تفاوت معناداری وجود ندارد؛ اما بین شاخص‌های توصیفی سایر مؤلفه‌های پژوهش تفاوت وجود دارد. از این رو، برای بررسی تفاوت میانگین زیرمؤلفه‌ها از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) و برای بررسی تفاوت میانگین متغیرهای اصلی پژوهش از آزمون تی مستقل استفاده شده است. لازم به‌ذکر است که قبل از اجرای آزمون تی مستقل و تحلیل واریانس چندمتغیره، ابتدا فرض نرمال بودن توزیع به‌وسیله آزمون کولموگروف-اسمیرنف، دامنه -۱+۱ چولگی و نمودار جعبه‌ای تأیید شد. فرض همگنی میانگین‌ها نیز براساس آزمون لوین مورد تأیید قرار گرفت. مفروضه همگنی ماتریس کوواریانس نیز به‌وسیله آزمون ام‌باکس مورد تأیید قرار داد. در ادامه به نتایج آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین‌های استرس والدگری، مشکلات برونی‌سازی و درونی‌سازی اشاره می‌شود.

براساس جدول ۱، هرچند بین میانگین و انحراف استاندارد برخی مؤلفه‌های استرس والدگری نظیر فزون‌طلبی، خلق، صلاحیت، سلامت والدین، رابطه با همسر و استرس زندگی و همین‌طور بعضی از زیرمؤلفه‌های مشکلات درونی‌سازی شده از جمله اضطراب و افسردگی و شکایات جسمانی تفاوت معناداری وجود ندارد؛ اما بین شاخص‌های توصیفی سایر مؤلفه‌های پژوهش تفاوت وجود دارد. از این رو، برای بررسی تفاوت میانگین زیرمؤلفه‌ها از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) و برای بررسی تفاوت میانگین متغیرهای اصلی پژوهش از آزمون تی

جدول ۲- آزمون تی برای مقایسه میانگین‌های استرس والدگری، مشکلات برونی‌سازی و درونی‌سازی در مادران

شاغل و غیرشاغل کودکان پیش‌دبستانی

متغیر	تفاوت میانگین‌ها	خطای انحراف معیار	t	df	معناداری
استرس والدگری	۸/۸۰	۴/۷۰	۱/۸۶	۲۲۸	۰/۰۶
برونی‌سازی شده	۱/۶۳	۰/۷۸	۲/۰۷	۲۲۸	۰/۰۳
درونی‌سازی شده	۰/۹۵	۰/۸۵	۱/۱۲	۲۲۸	۰/۲۶

براساس جدول ۲، هرچند میزان بالایی از استرس والدگری در هر دو گروه دیده می‌شود؛ اما تفاوت معناداری بین آن‌ها مشاهده نشد. در زمینه مشکلات برونی‌سازی شده تفاوت معناداری بین دو گروه دیده شد. طبق یافته‌های جدول‌های ۱ و ۲ کودکان مادران شاغل نسبت به کودکان مادران غیرشاغل مشکلات

بیرونی‌سازی شده کمتری را از خود نشان می‌دهند؛ اما در زمینه مشکلات درونی‌سازی شده بین دو گروه به‌طور کلی، تفاوت معناداری یافت نشد. در ادامه برای بررسی تفاوت میانگین‌های زیرمؤلفه‌های هریک از متغیرهای پژوهش از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده می‌شود.

جدول ۳- نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره زیرمقیاس‌های استرس والدگری بین دو گروه مادران شاغل و غیرشاغل

غیرشاغل

منبع اثر	متغیر	SS	df	MS	F	P
حواس‌پرتهی - بیش‌فعالی	۲۵/۱۱	۱	۲۵/۱۱	۰/۹۵	۰/۳۳	
انطباق‌پذیری	۲۳۶/۰۳	۱	۲۳۶/۰۳	۱۰/۴۸	۰/۰۰	
تقویت والدین	۳۰/۶۷	۱	۳۰/۶۷	۳/۰۱	۰/۰۸	
فزون‌طلبی	۳/۶۵	۱	۳/۶۵	۰/۱۷	۰/۶۷	
خلق	۲/۹۳	۱	۲/۹۳	۰/۴۹	۰/۴۸	
قابلیت پذیرش	۵۸/۵۰	۱	۵۸/۵۰	۴/۳۸	۰/۰۳	
قلمرو کودک	۱۲۲۱/۳۰	۱	۱۲۲۱/۳۰	۴/۵۱	۰/۰۳	
صلاحیت	۰/۷۳	۱	۰/۷۳	۰/۰۳	۰/۸۵	
انزوای اجتماعی	۷۴/۶۱	۱	۷۴/۶۱	۴/۴۰	۰/۰۳	
دلبستگی	۷۱/۲۳	۱	۷۱/۲۳	۷/۶۰	۰/۰۰	
سلامت والدین	۲/۵۰	۱	۲/۵۰	۰/۳۶	۰/۵۴	
محدودیت	۱۸۰/۹۳	۱	۱۸۰/۹۳	۴/۴۴	۰/۰۳	
افسردگی	۲۴۲/۱۵	۱	۲۴۲/۱۵	۶/۸۶	۰/۰۰	
رابطه با همسر	۰/۴۳	۱	۰/۴۳	۰/۰۵	۰/۹۰	
قلمرو والدین	۱۲۳۰/۵۳	۱	۱۲۳۰/۵۳	۲/۲۶	۰/۱۳	
استرس زندگی	۱۹/۵۱	۱	۱۹/۵۱	۱/۸۰	۰/۱۸	

مفروضات تحلیل واریانس چندمتغیره شامل همگنی واریانس‌ها با استفاده از آزمون لوین، نرمال بودن توزیع در دو گروه با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنف، دامنه -۱، +۱ چولگی و نمودار جعبه‌ای، همگنی ماتریس کوواریانس از طریق آزمون ام‌باس (P=۰/۰۹، F=۱/۶۳، Mbox=۱۲/۳۷) مورد تأیید قرار گرفت. براساس نتایج جدول ۳، بین میانگین مؤلفه‌های انطباق‌پذیری، قابلیت پذیرش و به‌طور کلی قلمرو کودک و همین‌طور بین

انزوای اجتماعی، دلبستگی، محدودیت نقش و افسردگی در دو گروه در سطح معناداری ۰/۰۵ تفاوت معنادار وجود دارد. بر این اساس، در قلمرو کودک میزان مشکلات انطباق‌پذیری و مشکلات قابلیت پذیرش کودکان مادران شاغل کمتر از مادران غیرشاغل است بنابراین، استرس کمتری را در حوزه والدگری برای مادران خود ایجاد می‌کنند. در قلمرو والدینی مادران شاغل انزوای اجتماعی، افسردگی و مشکلات دلبستگی کمتری را گزارش می‌کنند و نقش والدگری را کمتر محدودکننده می‌دانند.

جدول ۴- نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره زیرمقیاس‌های مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی دو گروه مادران شاغل و غیرشاغل

منبع اثر	متغیر	SS	df	MS	F	P
گروه	پرخاشگری	۱۱۶/۹۳	۱	۱۱۶/۹۳	۴/۹۹	۰/۰۲
	مشکلات توجه	۱۳/۱۵	۱	۱۳/۱۵	۵/۰۲	۰/۰۲
	واکنش هیجانی	۲۴/۴۵	۱	۲۴/۴۵	۷/۳۱	۰/۰۰
	اضطراب و افسردگی	۴/۷۳	۱	۴/۷۳	۱/۱۴	۰/۲۸
	شکایت جسمانی	۰/۰۷	۱	۰/۰۷	۰/۰۲	۰/۸۶
	گوشه‌گیری	۱۰/۰۱	۱	۱۰/۰۱	۳/۰۴	۰/۰۸
	مشکل خواب	۲۰/۱۰	۱	۲۰/۱۰	۴/۲۲	۰/۰۴

همچنین این یافته‌ها با نتایج برخی تحقیقات از جمله نعیماوی، البوعلی و منصور (۱۳۹۸) مبنی بر مقایسه سلامت روان و رضایت زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار؛ تمنایی‌فر و لیث (۱۳۹۷) مبنی بر مقایسه سلامت روان زنان شاغل و زنان خانه‌دار؛ ولیزاده و همکاران (۲۰۱۶) مبنی بر بررسی استرس ادراک شده در مادران شاغل؛ کادال، پاندی و راج (۲۰۱۸) در زمینه بررسی چالش‌های مادران شاغل و چی و ژو (۲۰۱۸) مبنی بر شناسایی استرس والدگری در والدین شاغل ناهم‌سو بود.

در تبیین بالا بودن استرس والدگری در زنان غیرشاغل و نزدیکی آن به میزان استرس در زنان شاغل، باید گفت که در خانواده‌هایی که مادر غیرشاغل است، عدم تعادل در وظایف محوله در زندگی خانوادگی و روشن نبودن وظایف و تقسیم غیرعادلانه امور زندگی می‌تواند منجر به عملکرد نامطلوب خانواده شود. در این خانواده‌ها، مادران به‌طور روزمره با مطالبات مرتبط با فرزندپروری و مراقبت از دیگر اعضای خانواده روبه‌رو هستند و فشار ناشی از این امر، ممکن است خرده‌فرآیندهای دخیل در رابطه والد-فرزندی و همچنین روابط با همسر را نیز تحت‌الشعاع قرار دهد. افزون بر این، بسیاری از مادران خانه‌دار به واسطه مشارکت اجتماعی کمتر و جایگاه اجتماعی پایین‌تر و همچنین محدودیت بیشتر در منابع مالی در مقایسه با زنان شاغل احساس کارآمدی پایین‌تری را تجربه می‌نمایند (پوهلان، ۲۰۱۹). با در نظر داشتن پیامدهای منفی موارد فوق، تأثیر تجمعی این عوامل در طول یک دوره طولانی می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات روان‌شناختی نظیر استرس برای مادران و سبک والدگری آنان باشد.

به‌منظور بررسی تفاوت میانگین زیرمؤلفه‌ها مشکلات رفتاری کودکان ابتدا مفروضات آزمون مانووا از قبیل همگنی واریانس، نرمال بودن توزیع و همگنی ماتریس کوواریانس ($Mbox=37/21$, $F=1/28$, $P=0/14$) مورد تأیید قرار گرفت. براساس نتایج جدول ۴ نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد که بین پرخاشگری، مشکلات توجه، واکنش هیجانی و مشکلات خواب در دو گروه در سطح $0/05$ تفاوت معنادار وجود دارد. بر این اساس کودکان مادران شاغل نسبت به کودکان مادران غیرشاغل میزان کمتری از پرخاشگری، مشکلات توجه و واکنش هیجانی را نشان می‌دهند؛ اما باین‌حال، مشکلات خواب بیشتری را تجربه می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه استرس والدگری و مشکلات درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده کودکان مادران شاغل و غیرشاغل انجام شد. در رابطه با استرس والدگری، نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد بین استرس والدگری در گروه زنان شاغل و غیرشاغل به‌طور کلی تفاوت معناداری وجود ندارد و هر دو گروه سطح بالایی از استرس والدگری را نشان می‌دهند. این یافته با نتایج مطالعات پیشین از جمله تحقیق ترکمن و فتحی (۱۳۹۵) مبنی بر شناسایی تأثیر اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان؛ ابراهیمی، زارعی و سلطانی‌نیا (۱۳۹۷) مبنی بر مقایسه حس انسجام برای مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا در زنان شاغل و خانه‌دار؛ البوعطیوی (۱۳۹۶) مبنی بر مقایسه کارآمدی والدینی مادران شاغل و غیرشاغل؛ سولیس و النا (۲۰۱۵) مبنی بر بررسی میزان استرس در مادران شاغل در یک راستا قرار داشت.

البوعطیوی (۱۳۹۶) مبنی بر مقایسه مشکلات رفتاری مادران شاغل و غیرشاغل ناهم‌خوان بود.

بروز مشکلات هیجانی و رفتاری بیشتر در کودکان مادران خانه‌دار، از چندین رهگذر قابل تبیین است. به‌طور کلی، دوران اولیه کودکی و سنین پیش‌ازدبستان دوره مهمی برای رشد مهارت‌های درک هیجانی و تنظیم هیجانات، نظام ارزشی، اعتمادبه‌نفس و قابلیت‌های اجتماعی در کودک است و والدین نقش مهمی در دستیابی کودک به این مهارت‌ها دارند (درلی، ۲۰۱۶). مادران شاغل به‌واسطه تعاملات بیشتر با محیط اجتماعی از مهارت‌های اجتماعی بالاتری برخوردارند و حساسیت بیشتری در رابطه با انتظارات و رفتارهای مورد قبول اجتماع دارند و می‌توانند با آموزش این مهارت‌ها به کودک تأثیر بسزایی در رشد مهارت‌های هیجانی و رفتاری جامعه‌پسند داشته باشند. کسب این مهارت‌ها توسط کودکان مادران شاغل قابلیت‌هایی نظیر مدیریت هیجانات و بروز آن به شکل مطلوب، روابط اجتماعی و بین‌فردی مطلوب، پذیرش توسط همسالان و اطرافیان، تحمل ناکامی‌ها و کنترل رفتارهای پرخاشگرانه را به همراه می‌آورد. در سوی مقابل، عدم یادگیری این مهارت‌ها منجر به مشکلات هیجانی و رفتاری متعدد و ناکامی در ایجاد روابط اجتماعی قابل قبول، طرد توسط اطرافیان و همسالان و اختلالات رفتاری مخرب و پرخاشگری می‌شود (دانسمور و همکاران، ۲۰۱۶).

علاوه بر تأثیرات مستقیم آموزش، فرآیند تأثیرگذاری مادر بر کودک می‌تواند به‌طور غیرمستقیم و به‌واسطه الگوبرداری راهبردهای هیجانی و رفتاری اعمال شود. در تنظیم هیجانات و مدیریت رفتار، کودکان تمایل به‌کارگیری راهبردهای مورد استفاده والدین خود دارند. اگر والدین در روابط خود با کودک و همسر، متعادل، بامحبت و پذیرا باشند و برای حل‌وفصل مشکلات از تعاملات سازنده و راهبردهای مقابله‌ای فعال استفاده نمایند، کودکان نیز به‌واسطه یادگیری و درونی‌سازی این فرآیندها در تنظیم عواطف و مدیریت رفتار موفق خواهند بود. در غیر این‌صورت، کودک در کسب مهارت‌های لازم در این زمینه ناکام خواهد بود (کیل و کالومیریس، ۲۰۱۵). از آنجایی که کودکان مادران خانه‌دار در مقایسه با کودکان مادران شاغل، زمان بیشتری را شاهد تعاملات اعضای خانواده به‌ویژه پدر و مادر هستند، در صورتی که در این روابط واکنش‌های هیجانی و

از سویی دیگر، در توضیح عدم هم‌خوانی نتایج با تحقیقات پیشین نکته لازم به ذکر این است که براساس مطالعات، مادران شاغل، به‌ویژه زمانی که از شرایط شغلی مطلوبی برخوردار باشند، به‌واسطه استقلال مالی و مزایای اجتماعی حاصل از اشتغال از وضعیت روانی- اجتماعی بهتری بهره می‌برند و با دغدغه کمتر پیرامون مسائل حاشیه‌ای و تمرکز بیشتر انتظارات نقش مادری را برآورده می‌نمایند (مک‌گین و او، ۲۰۱۷).

در زمینه مشکلات کودکان، نتایج نشان داد کودکان مادران غیرشاغل در مقایسه با کودکان در گروه دیگر مشکلات بیشتری را در حوزه واکنش‌پذیری هیجانی در حوزه درونی‌سازی شده و مشکلات پرخاشگری و توجه در حوزه برونی‌سازی شده تجربه می‌کنند. همچنین، در حوزه مشکلات درونی‌سازی شده مشکلات خواب در کودکان مادران شاغل بیش از کودکان مادران خانه‌دار مشاهده شد. این یافته در زمینه تفاوت دو گروه در زمینه مشکلات کودکان هم‌سو با نتایج تحقیقات پیشین از جمله تحقیق علی‌پور، صیادی و حقیقی (۱۳۹۵) در زمینه بررسی نقش اشتغال مادران در اضطراب کودکان؛ تقوایی‌نیا، رحیمیان و معاضدیان (۱۳۹۵) در زمینه نقش شاغل بودن مادر در پیش‌بینی افسردگی فرزندان؛ دوی و وندنا و ماهسوری (۲۰۱۹) مبنی بر مقایسه مشکلات رفتاری کودکان مادران شاغل و غیرشاغل؛ واحدی و کراگ و وستراپ (۲۰۱۹) مبنی بر بررسی نقش اشتغال مادر در سلامت روان کودک؛ کویلارا، سوبا و لویچان (۲۰۱۶) مبنی بر مقایسه مشکلات روان‌شناختی کودکان مادران شاغل و غیرشاغل؛ میشرآ و همکاران (۲۰۱۷) مبنی بر بررسی الگوهای خواب کودکان مادران شاغل؛ کاستافونت و فلچ (۲۰۱۸) مبنی بر رابطه اشتغال مادر و خواب کودک؛ سید و خان (۲۰۱۷) مبنی بر مقایسه سازگاری کودکان مادران شاغل و غیرشاغل؛ کادال، پاندی و راج (۲۰۱۸) مبنی بر بررسی چالش‌های مادری در زنان شاغل هم‌خوان بود. همچنین، این یافته‌ها با نتایج برخی تحقیقات نظیر تحقیق امینی‌زاده و محمدی (۱۳۹۵) مبنی بر رابطه اشتغال مادران و سلامت فرزندان؛ جاویدنیا (۱۳۹۷) مبنی بر مقایسه سبک‌های دلبستگی و اضطراب جدایی در کودکان مادران شاغل و غیرشاغل؛ قادرپور (۱۳۹۵) مبنی بر مقایسه رشد حرکتی- اجتماعی کودکان مادران شاغل و غیرشاغل و

رفتاری به شکل مورد قبول و سالم صورت نگیرد، الگوبرداری در زمینه راهبردهای ناکارآمد برای بروز عواطف و رفتارها از جمله هیجان‌های منفی و رفتارهای پرخاشگرانه توسط کودک دور از انتظار نخواهد بود.

علاوه بر این، در تبیین این نتایج باید نحوه تعامل و سبک والدگری را مدنظر قرار داد، چرا که بیش از کمیّت و مدت زمان ارتباط والد-کودک، کیفیت این ارتباط حائز اهمیت است. گرچه ممکن است والدگری رهنمودی در سال‌های اولیه کودکی پشتیبانی نظارتی مفید را برای کودک فراهم کند، اما نیاز به این حمایت بیرونی به‌طور معمول در دوره‌های پیش‌ازدبستان کاهش می‌یابد، زیرا کودکان ظرفیت لازم برای خودمختاری را کسب می‌کنند و ادامه این سبک والدگری می‌تواند مشکلاتی را برای کودک ایجاد نماید (مک‌کلند و همکاران، ۲۰۱۷). حال آن‌که بسیاری از مادران خانه‌دار در نتیجه ساعات طولانی تماس با کودکان، بار جسمی کارهای خانه و از بین رفتن احتمالی عزت‌نفس هنگامی که هویت و جایگاه زن صرفاً در حد فردی کارآمد در محیط خانه تقلیل می‌یابد، احساس امنیت، عزت‌نفس و خودکارآمدی پایین‌تری دارند و به‌دنبال این امر در رابطه خود با کودک به‌صورت آمرانه و بسیار رهنمودی عمل می‌کنند. این مادران با انتقادگری و برخورد آمرانه، ممکن است از طریق برانگیختن مکرر عواطف منفی در کودک، فعال کردن پاسخ‌های استرس‌زا و نادیده‌انگاری ظرفیت‌های نظم‌بخشی در او مانع از ارتقا تنظیم هیجان‌ها و کنترل توجه در کودک شوند (تیلور و همکاران، ۲۰۱۷). قرار گرفتن مکرر در معرض کورتیزول، مغز کودک را در برابر رویدادهای استرس‌زا حساس‌تر می‌سازد و منجر به گوش به‌زنگی و هوشیاری بیش از حد و افزایش واکنش‌پذیری او در مقابل استرس می‌شود و این امر، کاهش منابع شناختی لازم برای تخصیص به فرآیندهای عملکرد اجرایی و تنظیم هیجان‌ها و کنترل توجه را به‌دنبال خواهد داشت (نیپاس و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین، محققان بر این عقیده‌اند که قرار گرفتن کودک در معرض فشار روانی، ممکن است به واسطه تأثیر بر کانالیزاسیون مسیر عصبی و تقلیل منابع شناختی وی، فرآیند توجه را مختل کند (نیپاس و همکاران، ۲۰۱۹).

در سوی مقابل و در توضیح ناهم‌سویی نتایج با تحقیقات پیشین مبنی بر عدم تأثیر منفی اشتغال مادران بر فرزندان، باید

گفت که مادران شاغل با در نظر داشتن ساعات زیاد دوری از فرزندان، همواره در تلاش‌اند آن‌ها را در برابر چالش‌های احتمالی در زمان عدم حضور خود آماده سازند. به‌همین منظور، فرصت بیشتری را در زمینه آزمون و خطا و اکتشاف و تجربه به کودک می‌دهند. این مادران به‌جای دستورالعمل‌های صرف، از راهبردهایی نظیر طرح سؤال، تشریح و توضیح وظایف و پیشنهاد راه‌حل برای حل مسائل استفاده می‌کنند و در نتیجه این امر، کودکان آن‌ها قابلیت‌های بیشتری در زمینه عملکردهای شناختی و اجرایی از جمله مهارت‌های توجه از خود نشان می‌دهند (ماتیس و بیرمن، ۲۰۱۵).

در تبیین بروز بیشتر مشکلات خواب در کودکان مادران شاغل در مقایسه با گروه غیرشاغل، می‌توان گفت در مواردی مادران شاغل تلاش می‌کنند برنامه خواب و بیداری کودک را برای رسیدگی بهتر به او با برنامه زمانی کاری خود تنظیم نمایند و این امر، ممکن است روال کلی زندگی و برنامه خواب و بیداری کودک را به‌گونه‌ای منفی تحت‌الشعاع قرار دهد. به‌عنوان مراقبان اصلی، مادرانی که باید صبح زود در محل کار خود حاضر شوند، عموماً زودتر کودکان را بیدار می‌کنند تا امور مرتبط با رسیدگی به آن‌ها مثل خوردن صبحانه را به انجام برسانند. در سوی مقابل، مادرانی که عصرها مشغول به کار هستند، ممکن است ساعات خواب کودک را به تعویق بیندازند تا از این طریق فرصت بیشتری را برای برنامه‌هایی نظیر آماده‌سازی و خوردن شام، انجام تکالیف درسی کودک و یا گذران وقت در کنار یکدیگر داشته باشند (میشرا و همکاران، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، در ساعات عدم حضور مادر در منزل، نظارت کمتری بر کودک در زمینه ساعات خواب و بیداری صورت می‌گیرد و این از دیگر عوامل احتمالی است که به مشکلات خواب در کودک دامن می‌زند؛ چرا که در این حالت کودک، ممکن است میزان نامحدودی از خواب شبانه و یا خواب عصرانه را تجربه کند و این امر منجر به بدخوابی (پرخوابی و کم‌خوابی) در شب و متعاقباً روز شود (کاستافونت و فلچ، ۲۰۱۸).

در مجموع، نتایج حاصل از تحقیق پیش‌رو نشان داد که مادران خانه‌دار در مقایسه با مادران شاغل، نه‌تنها مسائل کمتری را تجربه نمی‌کنند، بلکه در مواردی با دشواری‌های بیشتری در رابطه با عوامل استرس‌زا و مشکلات کودکان مواجه هستند. با

تقوایی‌نیا، ع.، رحیمیان بوگر، ا.، و معاضدیان، آ. (۱۳۹۵). نقش رضایت از زندگی و شاغل بودن مادر در پیش‌بینی افسردگی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه. *سلامت اجتماعی*، ۳(۴)، ۳۲۹-۳۱۹.

تمنایی‌فر، م. م.، و لیث، ح. (۱۳۹۷). مقایسه رضایت زناشویی و سلامت روان زنان شاغل و غیرشاغل. *اصول بهداشت روانی*، ۲۱(۲)، ۱۵۰-۱۵۵.

جاویدنیا، ف. (۱۳۹۷). مقایسه سبک‌های دلبستگی و اضطراب جدایی در فرزندان پسر مادران شاغل و غیرشاغل. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود*.

عاطف‌وحید، م. ک.، حبیبی‌عسگرآبادی، م.، و عاشوری، ا. (۱۳۹۱). بومی‌سازی و استاندارد کردن فرم بلند شاخص استرس فرزندپروری در مادران کودکان استثنائی: دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی، نابینا، ناشنوا و معلول جسمی- حرکتی. *طرح پژوهشی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران*.

علی‌پور، گ.، صیادی، ع.، و حقیقی، ا. (۱۳۹۵). نقش ویژگی‌های جمعیت شناختی و اشتغال مادران بر اضطراب کودکان ۶-۵ ساله. *زانکو*، ۱۷(۵۲)، ۵۵-۶۴.

قادرپور، ع. (۱۳۹۵). مقایسه رشد حرکتی و اجتماعی کودکان (۸-۷) مادران شاغل و غیرشاغل. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک*.

نعیم‌اوی، م.، البوعلی، ه.، و منصور، غ. (۱۳۹۸). بررسی و مقایسه رضایت زناشویی و سلامت روان زنان شاغل در کارگاه‌های بسته‌بندی خرما و زنان خانه‌دار شادگان. *جامعه‌شناسی فرهنگی*، ۱(۱)، ۲۳-۳۴.

هومن، ح. ع. (۱۳۹۳). *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

References

- Abidin, R. R. (1990). Introduction to the special issue: The stresses of parenting. *Journal of Clinical Child Psychology*, 19(4), 298-301.
- Achenbach, T. (1991). *Integrative Guide to the 1991 CBCL/4-18, YSR, and TRF Profiles*.
- Achenbach, T. M., Dumenci, L., & Rescorla, L. A. (2003). DSM-oriented and empirically based approaches to constructing scales from the same item pools. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 32(3), 328-340.

توجه به این که مناسب‌ترین سن برای مداخله سنین اولیه کودکی است، اقدامات پیشگیرانه در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. همچنین، با توجه نقش سلامت روان‌شناختی مادر در تحکیم بنیان خانواده و رشد جسمانی و روانی فرزندان، برنامه‌ریزی‌های پیشگیرانه و مداخله‌ای از سوی مسئولان مراکز آموزشی و تربیتی می‌تواند به این مادران و کودکان آن‌ها یاری رساند. در باب محدودیت‌های پژوهش حاضر لازم به ذکر است که در این پژوهش نمونه از بین کودکان حاضر در مهدکودک‌های انتخاب شده است. بنابراین، در تعمیم نتایج به کودکانی که در مهدکودک نیستند، باید جانب احتیاط را رعایت نمود. همچنین، غربالگری سلامت روان مادران و کودکان براساس خود اظهاری‌های موجود در پرونده‌های مهدکودک صورت گرفته است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی در بررسی وضعیت سلامت روان نمونه از ابزار غربالگری مربوط به اختلالات روانی استفاده شود. علاوه‌براین، توصیه می‌شود در تحقیقات آینده نقش متغیرهای مداخله‌گر از قبیل تعداد فرزندان، جنسیت آنان، ترتیب تولد و تقسیم وظایف بین والدین در نقش والدگری و امور خانگی مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- ابراهیمی، م.، زارعی، س.، و سلطانی‌نیا، ش. (۱۳۹۷). مقایسه حس انسجام و سبک‌های حل تعارض زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار. *مشاوره شغلی و سازمانی*، ۱۰(۲۵)، ۴۲-۲۷.
- امینی‌زاده، ح.، و محمدی، ن. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین اشتغال مادران و سلامت عمومی فرزندان. *دومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران*. ۱۴ مرداد ۱۳۹۵. قم، ایران.
- البوعطیوی، ف. (۱۳۹۶). مقایسه استرس فرزندپروری، خودکارآمدی والدینی و مشکلات رفتاری کودکان مادران شاغل و غیرشاغل شهر اهواز. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز*.
- ترکمن، س.، و فتحی، س. (۱۳۹۵). تحلیل اثرهای اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان (مطالعه موردی زنان شاغل در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری). *فصلنامه زن و جامعه*، ۷(۲۸)، ۱۳-۲۶.

- Jaradat, Y., Nijem, K., Lien, L., Stigum, H., Bjertness, E., & Bast-Pettersen, R. (2016). Psychosomatic symptoms and stressful working conditions among Palestinian nurses: a cross-sectional study. *Contemporary Nurse*, 52(4), 381-397.
- Kadale, P. G., Pandey, A. N., & Raje, S. S. (2018). Challenges of working mothers: balancing motherhood and profession. *International Journal of Community Medicine and Public Health*, 5(7), 2905-2910.
- Kiel, E. J., & Kalomiris, A. E. (2015). Current themes in understanding children's emotion regulation as developing from within the parent-child relationship. *Current Opinion in Psychology*, 3, 11-16.
- Koirala, P., Subba, R., & Lopchan, M. (2016). Psychosocial problems among the school children of working and non-working mothers. *Journal of Chitwan Medical College*, 6(3), 46-50.
- Mathis, E. T., & Bierman, K. L. (2015). Dimensions of parenting associated with child prekindergarten emotion regulation and attention control in low-income families. *Social Development*, 24(3), 601-620.
- McClelland, M. M., Tominey, S. L., Schmitt, S. A., & Duncan, R. (2017). SEL interventions in early childhood. *The Future of Children*, 27(1), 33-47.
- McGinn, K. L., & Oh, E. (2017). Gender, social class, and women's employment. *Current Opinion in Psychology*, 18, 84-88.
- Mishra, A., Pandey, R. K., Minz, A., & Arora, V. (2017). Sleeping habits among school children and their effects on sleep pattern. *Journal of Caring Sciences*, 6(4), 315-323.
- Mohammad-Esmail, E. (2009). *Guide form for measure system of preschool age's children 1-5 years' experience in Tehran*. Tehran: Exceptional Child Research Institute, 108-19.
- Niehaus, C. E., Chaplin, T. M., Gonçalves, S. F., Semelsberger, R., & Thompson, J. C. (2019). Maternal stress and adolescent brain structure and function. *Brain and Behavior*, 9(6), 1-10.
- Pohlan, L. (2019). Unemployment and social exclusion. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 164, 273-299.
- Campaña, J. C., Giménez-Nadal, J. I., & Molina, J. A. (2020). Self-employed and Employed Mothers in Latin American Families: Are There Differences in Paid Work, Unpaid Work, and Child Care? *Journal of Family and Economic Issues*, 41(1), 52-69.
- Chaudhary, B. (2018). A study of stress among the children's of working and non-working mothers in reference to their academic career. *International Journal of Advanced Educational Research*, 3(1), 190-193.
- Chi, L. C., & Xu, H. X. (2018). Parenting Stress and its Associated Factors among Parents Working in Hospitality and Services Industries of Macau. *J Tourism Hospit*, 7(362), 1-6.
- Costa-Font, J., & Fleche, S. (2018). *Child Sleep and Maternal Labour Market Outcomes*. (No. 11755). Institute of Labor Economics (IZA).
- De Stasio, S., Coletti, M. F., Boldrini, F., Bevilacqua, F., Dotta, A., & Gentile, S. (2018). Parenting stress in mothers of infants with congenital heart disease and of preterm infants at one year of age. *Clinical Neuropsychiatry: Journal of Treatment Evaluation*, 15(1), 3-11.
- Dereli, E. (2016). Prediction of Emotional Understanding and Emotion Regulation Skills of 4-5 Age Group Children with Parent-Child Relations. *Journal of Education and Practice*, 7(21), 42-54.
- Devi, P., Vandna, M. S., & Maheshwari, D. SK. (2019) behavioral problems between working and non- working Mother's Children: A comparative cross sectional survey". *International Journal of Current Research*, 11(11), 8046-8054.
- Dunsmore, J. C., Booker, J. A., Ollendick, T. H., & Greene, R. W. (2016). Emotion socialization in the context of risk and psychopathology: Maternal emotion coaching predicts better treatment outcomes for emotionally labile children with oppositional defiant disorder. *Social Development*, 25(1), 8-26.
- Golfenshtein, N., Hanlon, A. L., Deatrck, J. A., & Medoff-Cooper, B. (2017). Parenting stress in parents of infants with congenital heart disease and parents of healthy infants: the first year of life. *Comprehensive Child and Adolescent Nursing*, 40(4), 294-314.

- and emotional learning interventions: A meta-analysis of follow-up effects. *Child Development*. 88(4), 1156-1171.
- Vahedi, A., Krug, I., & Westrupp, E. M. (2019). Crossover of parents' work-family conflict to family functioning and child mental health. *Journal of Applied Developmental Psychology*. 62, 38-49.
- Valizadeh, S., Hosseinzadeh, M., Mohammadi, E., Hassankhani, H., & Marjaneh, M. F. (2016). Perceived stress in breastfeeding working mothers in Iran. *International Journal of Medical Research & Health Sciences*. 5(11), 485-492.
- Waller, R., Gardner, F., Shaw, D. S., Dishion, T. J., Wilson, M. N., & Hyde, L. W. (2015). Callous-unemotional behavior and early-childhood onset of behavior problems: The role of parental harshness and warmth. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*. 44(4), 655-667.
- Rollè, L., Prino, L. E., Sechi, C., Vismara, L., Neri, E., Polizzi, C., & Ierardi, E. (2017). Parenting stress, mental health, and dyadic adjustment: a structural equation model. *Frontiers in Psychology*. 8, 839-849.
- Solis, B. D., & Elna, R. L. (2015). Stress level and adversity quotient among single working mothers. *Asia Pacific Journal of Multidisciplinary Research*. 3(5), 72-79.
- Ştefan, C. A., & Avram, J. (2017). Investigating direct and indirect effects of attachment on internalizing and externalizing problems through emotion regulation in a cross-sectional study. *Journal of Child and Family Studies*. 26(8), 2311-2323.
- Syed, A., & Khan, M. A. (2017). Children of Working and Nonworking Mothers—Their Adjustment. *The Communications*. 25(2), 11-20.
- Taylor, R. D., Oberle, E., Durlak, J. A., & Weissberg, R. P. (2017). Promoting positive youth development through school-based social

Empowering Exceptional Children Journal

Iranian council for exceptional children

Volume 11, Issue 3(33), Fall 2020

PP 37-49

Comparison of parenting stress and externalizing and internalizing problems of children in working and non-working mothers

Ali Hosseinzadeh Oskouei¹

Fatemeh Safarpour²

Zahra Kamandlo³

Mojtaba Habibi Asgarabad⁴

Mohammad Sadegh Zamani Zarchi^{*5}

Abstract

The present study aimed to compare parenting stress, externalizing and internalizing problems of preschool children in working and non-working Mothers. This descriptive study is causal-comparative. In this study, all mothers of preschool children aged 4 to 6 years old in nurseries of Tehran City were considered as the statistical population. The sample size consisted of 230 subjects (115 working and 115 non-working), who were selected via multistage cluster sampling method. In order to collect the data, all participants were asked to complete Abidin's Parenting Stress Index (PSI, 1990) and Achenbach Child Behavior Checklist (CBCL, 1991). Independent t-test, multivariate analysis of variance and SPSS22 software were used to analyze the data. The results showed that both groups of working and non-working mothers showed a high level of parenting stress; however, there was no significant difference between parenting stress in the two groups ($P < 0.05$). Regarding the externalizing problems, there was a significant difference between the two groups. In terms of internalizing problems, although there was no significant difference between the total scores of two groups, the scores of two components i.e. emotional reactivity and sleep problems were significantly different ($P < 0.05$). Based on the results, both working and non-working mothers face parenting stress and children's problems. Accordingly, it is recommended to design and provide therapeutic and preventive interventions to improve maternal stress and children's problems.

Keywords: parenting stress, externalizing problems, internalizing problems

1. Masters of Family Counseling, Faculty of Psychology and Education, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2. Masters student of Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Education, Kharazmi University, Tehran, Iran

3. Masters of School Counseling, Payame Noor University, Isfahan, Iran

4. Assistant Professor, Department of Health Psychology, School of Behavioral Science and Mental Health (Tehran Psychiatric Institute), Iran University of Medical Science, Tehran, Iran

*5. **Corresponding Author:** PhD Student of Counseling, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Kharazmi University, Tehran, Iran

